



یک روز طهوری گفت می‌خواهد به دیدن دکتر خانلری برود. از من هم خواست همراهش بروم که با هم رفتیم. در همان روز به‌ دکتر خانلری پیشنهاد کردم بعضی کتاب‌هایش مثلا سمک عیار را به ما بدهد.گفت سمک در اختیار بنیاد فرهنگ است.

پرسیدم با آنها قرارداد دارید؟ گفت نه، کتاب‌هایی که کار کرده‌ام آنجا منتشر شده است. از این بابت پولی هم نگرفتم.ام اگر می‌توانید اجازه‌اش را بگیرید و منتشر کنید.

در بنیاد فرهنگ، آنهایی که آنجا را در اختیار گرفته بودند، بر خورده‌شدن با دکتر خانلری و کسانی که می‌خواستند کار‌های او را در آورند، بسیار بد و کینه‌توزانه بود.اول گفتند اصلا اجازه ندادید این کار را بکنید.گفتم شما کتاب کسی را منتشر کرده‌اید که با او قرارداد می‌ندارید، پولی هم به او نپرداخته‌اید. به چه دلیلی می‌گویید ما حق نداریم کار او را منتشر کنیم و اضافه کردم فقط برای استفاده از حروف چینی بنیاد به آنها مراجعه کرده‌ام که آن هم غلط دارد و باید اصلاح شود. در واقع اگر اجازه استفاده از حروف چینی را که بیش از ۳۰۰۰ صفحه بود، به ما می‌دادند،

کار انتشار کتاب راحت‌تر می‌شد.هریک از جلد‌ها غلط‌نامه‌ای در آخر کتاب داشت که می‌شد پیش از فیلم گرفتن آنها را اصلاح کرد.به هر حال قرار شد موضوع را مسئول انتشارات که طرف صحبت من بود به کسی که جانشین دکتر خانلری شده بود، بگویند و نتیجه را به من اطلاع دهد. پس از چند روز گفت حتی اجازه نمی‌دهند از حروف چینی کتاب استفاده کنیم!

به دکتر خانلری گفتم خودتان محتوای قرارداد را پیشنهاد کنید. قرارداد ساده‌ای پیشنهاد کرد.حق انتشار کتاب سمک عیار را در ازای دریافت ۱۸ درصد از بهای پشت جلد به نسبت تیراژ به انتشارات آگاه واگذار می‌کند و انتهای قرارداد اضافه کرده بود ناشر مبلغی به عنوان پیش پرداخت به او می‌پردازد که جای مبلغ را خالی گذاشته بود.

نمونه اول حروف چینی جلد یکم را ابتدا آقای احمد تدین که آن زمان با ما کار می‌کرد، به دقت می‌خواند و تصحیح می‌کرد. نمونه اصلاح شده که بیکیز و بعدی را برای دکتر خانلری می‌بردم که با ویندو تایید کنند. باوجود آنکه حال چندان مستاعبی نداشت، دقت فوق‌العاده‌ای در کار داشت.

عبارت یادداشت‌هایی دارد که البته می‌گفت کامل نیست و در همین رفت و آمدها متوجه شدم که او از اساس ذهنیت سیاسی ندارد. هر چه در ذهن دارد ادبیات است و فرهنگ این سرزمین. حشورش در سیاست محدود می‌شد به شرکت این در مراسم رسمی و در جلسات سنا هم فقط زمانی که شاه به آنجا می‌رفت، شرکت می‌کرد. او از مقامش تنها برای پیش بردن کار بنیاد فرهنگ استفاده می‌کرد.

حروف چینی و چاپ جلد یکم سمک را برای گرفتن اجازه به ارشاد بردم. آن زمان پیش از گرفتن مجوز، اول کتاب را چاپ می‌کردیم و نمونه چاپ شده را به ارشاد می‌بردیم یا اجازه می‌دادند یانمی‌دادند.اگر اجازه نمی‌دادند مأموران بازرسی ارشاد، کتاب را برای خمیر کردن می‌فرستادند. چندین بار مراجعه کردم فایده نداشت. حتی یکی از ارشاد‌ای‌ها گفت کار نان به جایی رسیده که کتاب یک سناتور رژیم منحوس را چاپ می‌کنید؟ بالاخره نزد رئیس اداره کل رفتم. خودم را آماده کرده بودم تا درباره اهمیت ادبی و تاریخی کتاب حرف بزنم.

امارئیس که بعدها از فعالان و به اصطلاح روشنفکران دینی شد، کتاب را دید گفت بی جهت اجازه‌نامه را صادر نکرده‌اند. این رژیم شاه بود که از آدمی مثل خانلری کسب حیثیت می‌کرده است. خلاصه تلفن کرد و برگه اجازه‌نامه را آوردند و خودش آن را امضا کرد.

همان زمان یک نسخه از کتاب را همراه نامه‌ای برای رئیس بنیاد که نامش به «پوهشگاه» تغییر پیدا کرده بود، فرستادم. در نامه نوشتم حقوق چاپ و نشر کتاب به موجب قرارداد به ما تعلق دارد. اما شما خودتان را از دریافت بهای حروف چینی انی کتاب محروم کرده‌اید. پس از چند روز تلفنی اطلاع داندن فلان مبلغ را بپردازید تا اجازه استفاده از حروف چینی را بدهیم. به این ترتیب، کار چاپ جلد‌های بعدی با سرعت بیشتری پیش رفت.

در همان زمان، یک روز رضا سیدحسینی به من گفت قسمت اعظم جلد چهارم سمک را او از ترکی به فارسی بر گردانده است. بنابراین حقوق جلد چهارم را باید به او بپردازم.

این مطلب را دکتر خانلری در مقدمه کتاب

ناشر آگاه



غلامحسین صدری افشار
فرهنگ‌نویس

«حسین حسینیخانی» و روان‌شاد «محسن بخشی» دو بال نشر «آگاه» بودند.بخش فروش و اداره امور مالی تشکیلات برعهده بخشی بود و امور تولید را حسینیخانی هدایت می‌کرد. او وظیفه داشت کتاب مورد نظر را انتخاب کند و برایش مترجم بیابد، به دنبال مولفان تراز اول باشد تا آخرین آثارشان را در آگاه به چاپ برسانند. کتاب‌ها در صحت و دقت، ویراستاری ششوند و البته به لحاظ شکل و رنگ و قطع، به زور طبع آراسته شوند.

حسینیخانی امری مرد قدرشناس است. در روزهایی که بیماری بر محسن بخشی مستولی شده بود،نه به‌عنوان یک همکار که در جایگاه یک دوست صدیق، مدام پیگیر وضعیت او بود و برای بهبودی‌اش تلاش می‌کرد. این گونه دو شریک، دهه‌ها در کنار هم کار کردن و شیفته یکدیگر بودن، اتفاقی کمیاب است؛ چنانکه حسینیخانی در جایی گفته بود که من این کار را از بخشی دارم.

حسینیخانی، عرصه کتاب را به خوبی و به درستی می‌شناسد و از آن دست ناشرانی که به حیطه کاری خود، احاطه و اشراف تام و تمام دارد. اگرچه ناشر آگاه – و بعدتر با اضافه شدن نشر آگه – در برهه‌هایی دچار

توضیح داده است. متن سمک عیار معلوم نیست در اصل چند جلد بوده است. بخشی در جلد چهارم کنونی پیدا نشد. اما ترجمه ترکی این بخش وجود داشت.

دکتر خانلری همان زمانی که در بنیاد فرهنگ بود از سید حسینی می‌خواهد آن را ترجمه کند

و خودش هم ویرایشش می‌کند. شباهت نثر این بخش ترجمه شده با بخش‌های دیگر کتاب شگفت‌آور است. نمی‌شود تشخیص داد که این بخش از ترکی ترجمه شده است.به هر حال موضوع را به دکتر خانلری گفتم. گفت این موضوع را خودش فیصله می‌دهد. گویا مبلغی به سید حسینی پرداخت و سید حسینی به من اطلاع داد که دیگر ادعایی ندارد.

دکتر خانلری چه زمانی درباره شهرسمک کار کرده بود؟

شهرسمک در واقع درباره تمدن و فرهنگ، آیین‌های عیاری و ادبی است که دکتر خانلری از متن سمک‌عیار بیرون کشیده و شرح داده است. بسیاری از لغات را شرح داده و درباره امثال و حکم و شگفتی‌های داستان و حتی درباره راوی داستان مطلب نوشته‌ام‌ا می‌گفت یادداشت‌هایش در این‌باره کامل نیست و هنوز چیزهایی هست که باید یادداشت کند.

بخش‌هایی از این یادداشت‌ها مثل «آیین عیاری» قبلا در چند شماره مجله سخن چاپ شده بود. خانلری با این‌که از لحاظ جسمانی حال و روز مناسبی نداشت، اما حافظه‌اش فوق‌العاده بود. به خوبی می‌دانست فلان موضوع را در کدام یک از صفحات و کدام جلد باید فدت. قرار شد بخش‌های باقیمانده را بگویند و ما یادداشت کنیم. کار را به عهده گرفتیم و آقای تدین را هم با خود بردم.

صداپیش را ضبط می‌کردید؟

اوایل می‌نوشتیم که گاهی مغشوش و نادرست از آب درمی‌آمد. در جلسات بعد ضبط کردیم. بعضی از یادداشت‌هایش که همان روز‌ها به زحمت نوشته بود، ریز و ناخوانا بود. این گونه یادداشت‌ها را خودش می‌خواند و ضبط می‌کردیم.حروف چینی

دیدگاه



مشقت شد اما او بخشی، هیچ‌گاه دست از کار نگر نشستند، اگرچه ترجیح دادند در سایه بمانند و فعالیت انتشاراتی‌شان را تداوم ببخشند. حتی اینکه گفته می‌شود، آگاه، ناشر کتاب‌های تفکر چینی بوده، دروغ محض است.

آگاه ناشر کتاب‌های روز بوده و هنوز هم هست و در کارنامه آن، می‌توان کتاب‌هایی علیه چپ‌گرایی را هم یافت. این‌ها سفسطه‌ای بود که علیه این نشر راه انداختند. امیدوارم نشر آگاه، همچنان و چون گذشته، در خشناس، به فعالیت خود ادامه دهد و حسین حسینیخانی، همچنان بر تلاش و کوشش باشد.

شده‌ها را می‌بردیم و او تایید یا تصحیح می‌کرد. گفته‌هایش را که روی کاغذ پیاده می‌کردیم. از لحاظ جمله‌بندی فارسی درست بود. خوب، دکتر خانلری بود!

پیش‌تر گفتم که زمان خاتمی با گشایشی که در کار نشر کتاب فراهم شده بود، مجموعه سمک عیار را– همه ۶ جلد را باهم – چاپ کردیم. اما در شهرسمک یک صفحه در «آداب شراب خواری» را حذف کردند. چاره‌ای هم جز پذیرفتن نداشتیم. در بخشی از این یک صفحه دکتر خانلری مطلبی را از راوی داستان نقل کرده بود که راوی با حسرت از انواع مرغوب شراب حرف می‌زند.

دکتر خانلری در مقدمه شهر سمک نوشته است که «ازش این کتاب تنها به اعتبار جنبه ادبی آن نیست، بلکه این داستان مفضل، شامل بسیار نکته‌ها درباره اوضاع اجتماعی و اداری و آداب و اعتقادات و عادات و به‌طور کلی شیوه زندگی مردمی است که در روزگاری دراز می‌زیسته‌اند.» و در جای دیگر این مقدمه می‌نویسد: «...بعضی از نکاتی که مربوط به تمدن و فرهنگ است به عنوان نمونه این نوع مطالب جمع آوری شده است. اما نباید تصور کرد که این نکات به این یادداشت‌ها محدود می‌شود.این کتاب مشحون از این گونه موارد است و هر محققی و جوینده‌ای می‌تواند داستان را از جهات دیگری که منظور اوست مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهد.» و به عنوان نمونه مطالبی مثل «مصنوعات و فرآورده‌های صنعتی» و «لوازم و اثاث‌خانه» یا «خوردهای ها» را ذکر کرده است.

اما دریغ که ظرف ۳۰ سال گذشته کسی در این‌باره کاری نکرده است. یا لاقال من ندیده‌ام. ما از تاریخ‌قن‌های اولیه ایران اسلامی شده و اوضاع اجتماعی آن دوران چه می‌دانیم؟ فقط کتاب کم حجم دو قرن سکوت را داریم که این روز‌ها به صورت قاچاق می‌فروشند!

منظورم این است که یک سند مهم از آن دوره تاریخی را در دست داریم.

ببینید دکتر خانلری چه می‌گوید:«کتاب‌های

موضوع مرمت موزه هنرهای معاصر تهران به دولت

هم کشیده شد. قرار است ۶میلیارد تومان از محل بودجه عمرانی وزارت ارشاد به بازسازی این موزه اختصاص پیدا کند.

علی محمد زارع، سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران از اختصاص بودجه‌ای خبر داده که یکی از بحث برانگیزترین موضوع‌های اخیر در حوزه تجسمی بوده است. مرمت و بازسازی سیستم‌های تپهویه، اطفای حریق و ایمنی یکی از مطالبات مهم انجمن‌ها و هنرمندان تجسمی در سال‌های گذشته بود. این موضوع زمانی داغ‌تر شد که در تیرماه سال گذشته یک میلیارد تومان از سوی معاونت هنری برای خرید اثری برای موزه هنرهای معاصر در حراج تهران پرداخت شد. به دنبال آن انتقادهای مطرح شد که اگر وزارت ارشاد بودجه لازم برای مرمت موزه را ندارد چطور چنین مبلغی را برای خرید یک تابلو هزینه می‌کند. زارع در آیین مورد به این‌ها گفت: «دولت این قول را به ما داده که اسرار قطعاً بودجه طرح‌های عمرانی وزار تخانه را در اختیار موزه قرار دهد. به موجب این طرح، توسعه گنجینه انجام می‌شود، تعویض ریل‌ها صورت می‌گیرد و سیستم اطفای حریق گنجینه به روز رسانی می‌شود. گنجینه موزه، اطفای حریق دارد، اما خیلی قدیمی است. ما آخرین متدهای اطفای حریق را برای گنجینه در نظر داریم. امسال حتما باید برنامه‌های عمرانی‌مان را انجام دهیم تا سال آینده به مسائل نمایشگاهی مان

تجسمی

با اختصاص ۶میلیارد تومان از سهم بودجه عمرانی وزارت ارشاد

دولت برای بازسازی موزه هنرهای معاصر وعده داد

موضوع مرمت موزه هنرهای معاصر تهران به دولت

هم کشیده شد. قرار است ۶میلیارد تومان از محل بودجه عمرانی وزارت ارشاد به بازسازی این موزه اختصاص پیدا کند.

علی محمد زارع، سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران از اختصاص بودجه‌ای خبر داده که یکی از بحث برانگیزترین موضوع‌های اخیر در حوزه تجسمی بوده است. مرمت و بازسازی سیستم‌های تپهویه، اطفای حریق و ایمنی یکی از مطالبات مهم انجمن‌ها و هنرمندان تجسمی در سال‌های گذشته بود. این موضوع زمانی داغ‌تر شد که در تیرماه سال گذشته یک میلیارد تومان از سوی معاونت هنری برای خرید اثری برای موزه هنرهای معاصر در حراج تهران پرداخت شد. به دنبال آن انتقادهای مطرح شد که اگر وزارت ارشاد بودجه لازم برای مرمت موزه را ندارد چطور چنین مبلغی را برای خرید یک تابلو هزینه می‌کند. زارع در آیین مورد به این‌ها گفت: «دولت این قول را به ما داده که اسرار قطعاً بودجه طرح‌های عمرانی وزار تخانه را در اختیار موزه قرار دهد. به موجب این طرح، توسعه گنجینه انجام می‌شود، تعویض ریل‌ها صورت می‌گیرد و سیستم اطفای حریق گنجینه به روز رسانی می‌شود. گنجینه موزه، اطفای حریق دارد، اما خیلی قدیمی است. ما آخرین متدهای اطفای حریق را برای گنجینه در نظر داریم. امسال حتما باید برنامه‌های عمرانی‌مان را انجام دهیم تا سال آینده به مسائل نمایشگاهی مان

موضوع مرمت موزه هنرهای معاصر تهران از اختصاص بودجه‌ای خبر داده که یکی از بحث برانگیزترین موضوع‌های اخیر در حوزه تجسمی بوده است. مرمت و بازسازی سیستم‌های تپهویه، اطفای حریق و ایمنی یکی از مطالبات مهم انجمن‌ها و هنرمندان تجسمی در سال‌های گذشته بود. این موضوع زمانی داغ‌تر شد که در تیرماه سال گذشته یک میلیارد تومان از سوی معاونت هنری برای خرید اثری برای موزه هنرهای معاصر در حراج تهران پرداخت شد. به دنبال آن انتقادهای مطرح شد که اگر وزارت ارشاد بودجه لازم برای مرمت موزه را ندارد چطور چنین مبلغی را برای خرید یک تابلو هزینه می‌کند. زارع در آیین مورد به این‌ها گفت: «دولت این قول را به ما داده که اسرار قطعاً بودجه طرح‌های عمرانی وزار تخانه را در اختیار موزه قرار دهد. به موجب این طرح، توسعه گنجینه انجام می‌شود، تعویض ریل‌ها صورت می‌گیرد و سیستم اطفای حریق گنجینه به روز رسانی می‌شود. گنجینه موزه، اطفای حریق دارد، اما خیلی قدیمی است. ما آخرین متدهای اطفای حریق را برای گنجینه در نظر داریم. امسال حتما باید برنامه‌های عمرانی‌مان را انجام دهیم تا سال آینده به مسائل نمایشگاهی مان

شد پایتخت

«چرخ رنگی» در آسایشگاه معلولین رشت

سالم‌های که با متفاوت ذهنی‌اند یا جسمی یا هر دو. هنرمندان چرخ‌رنگی ساکنان آسایشگاه معلولین رشت هستند. چرخ‌رنگی خود را یک نمایشگاه خیره نمی‌دانند اگرچه تمام سود حاصل به این افراد برمی‌گردد اما آنچه در این سال‌ها جست‌وجو کرده‌ایم این بود که جنبه این موزه اعلام نشده بود و هر یک از مدیران، آثار تقریبی از گنجینه ذکر کرده بودند که یکی از دلایل آن اختلاف بر سرر تابلوهای چند لته‌ای بود. زارع چند روز قبل از تعداد قطعی آثار خود داد. او در این مورد نیز به این‌ها گفت: «بسیاری از آثار گنجینه، تا به حال در هیچ نمایشگاهی شرکت داده نشده‌اند

یاد

داستان دور رفیق

- حمیدرضا محمدی •

رافقتشان به حول وحوش ۵۰ سال پیش بازمی‌گردد. از آن زمان، وارد کار نشر شدند و نشر «آگاه» را بنیان نهادند. در این سال‌ها از پای ننشستند و درخت «آگاه»ی‌شان را حفظ کردند. ۱۳ آبان سال گذشته، یکی از دو بنیانگذار دارفانی را وداع گفت؛ محسن بخشی. او به‌دلیل کبولت سن، ضعف جسمانی و عفونت شدید روی در گذشت و شریک سالیان دیروورش را تنها گذاشت.

اکنون حسین حسینیخانی، بیکته‌نشر آگاه و نهادهای انتشاراتی تابعه‌اش (آگه، کندوکاو، مهر ویستا و افرن) را اداره می‌کند. آگاه در تمامی این سال‌ها، بیشتر در حوزه‌های ادبیات و نقد ادبی، شعر، مان، داستان کوتاه و نمایشنامه، تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران، هنر (سینما، موسیقی، نقاشی، معماری و عکاسی)، فلسفه، علوم اجتماعی، زبان و زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، چشم‌انداز ایران، حقوق، اقتصاد و مدیریت‌مالی، روان‌شناسی، علم، آموزش و پژوهش

فعالیت کرد و البته، در این میان، بزرگان مولف و مترجمی چون داریوش آشوری، علی‌محمد حق شناس، محمدرضا طابنی، محمدرضا شفیعی‌کدکنی، عبداله کوثری، مصطفی اسلامیه، مرتضی کلاتریان، نجف دریاپندری، باقر بره‌شام، مهرداد بهار، محمدعلی سپانلو، فروغ بوریاوری، عبدالوهاب احمدی، پرویز دواپی، مه‌ران مهاجر، محمد نسوی، کاظم فیروزمند، شاپور اعتماد، حسین پاینده، بهمن فرزانه، غلامحسین صدری افشار، عنایت سمعی، لیلی گلستان، مرتضی کاخی، رامین کریمیان، فرهنگ ارشاد، حسن محمد نسوی، محمود متحد، فیروزه مهاجر، اکبر معصوم‌بیگی، حسینعلی نودری، محمد مانجو، سلامت زنجیر، مجید مددی، روح‌انگیز شریفیان، پرویز جاهد، پرویز اجلائی و عباس مخبر با این نشر همکاری کردند و بازگرش شدند.

آیین بزرگداشت «حسین حسینیخانی»؛ مدیر انتشارات آگاه، امروز ساعت ۱۷در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ واقع در خیابان انقلاب، خیابان قدس، در شرقی دانشگاه بر گزار می‌شود.



شادروان محسن بخشی



شهرستان پلوه یکی از مهم‌ترین مراکز تولید انار در کشور است که متناسفانه به سبب فقدان تبلیغات، چندان در سطح ملی شناخته شده نیست.از هفته پیش تاکنون در روستاهای مختلف شهرستان پلوه جشنواره‌های مختلف انار برگزار شده که با استقبال مردم محلی و گردشگران روبرو شده است.امروز این جشنواره در روستای شرکان برگزار می‌شود که به‌نوشته برخی منابع تاریخی، کهن‌ترین انارستان منطقه دارنده انار مزارع کردستان بوده‌است.به‌همین‌پهلهٔ لازم‌دانستیم به‌جایگاه انار در فرهنگ مردم این سرزمین بپردازیم که نشان‌دهنده باورهای کهن آنان است. ذکر این نکته لازم است که برخی مباحث این نوشته بر گرفته از مقاله انار نوشته دکتر یلیو کبایشی در دناثرالمعرف بزرگ اسلامی است.

از نوشته‌های مورخان یونانی و رومی چنین برمی‌آید که مردم ایران حداقل از دوره هخامنشیان محصول انار را به‌عمل آورده‌اند. پلوتارک از هدیه یک انار به اردشیر اول، پادشاه هخامنشی (۴۶۶-۴۲۴ ق.م) یاد کرده که او پادیدن آن از وجود چنین میوه‌ای شگفت‌زده شده است. برخی جغرافی‌دانان مسلمان در قرن ۴ قمری از پرورش انار در مناطق کردنشین خبر داده‌اند.

بنابر اساطیر یونانی، افرودیدت، رب‌النوع عشق، درخت انار را به دست خود در جزیره قبرس کاشت و از ریختن خون دیونوسوس یا باکوس رب‌النوع تاکستان و شور و جذبه عارفانه، درخت انار سر بر آورد.انار در فرهنگ ایرانی به شکل نام و در هورامان و کردستان به صورت خاصی مهم‌ترین میوه زمینی محسوب شده و البته به‌تدریج شکل مقدس یافته است. در قرآن هم انار از میوه‌های بهشتی معرفی شده است. در نظریه‌های نمایشگاهی واسطورشناسی، انار به سبب دانه‌های متعددش پیش از هر چیز، نماد باروری و تکثیر نسل و حاصلخیزی و وفور نعمت است. انار در دین زردشتی مقدس بود و زردشتیان از آن درمناسک دینی خود بهره می‌بردند. هم‌کنون کردهای پارسان هم در مراسم مذهبی خود از این محصول استفاده می‌کنند. در فرهنگ ایرانی، انار را از جنس موث می‌دانستند که رمز و نشانه جاودانگی و باروری است.در زبان کردی هورامی هم که هنوز جنس

مذکر و مؤنث دارد، انار به شکل موث تلفظ می‌شود. بنابر اساطیر ایرانی، از فرور یختن خون سیاوش بر زمین، به گفته فردوسی «گیاهی برآمد همانگه ز خون» که آن را گیاه سیاوش یا «خون سیاوشان» خواندند. برپایه یک روایت، در بیستون کرامتشاه هم درخت اناری روئیده بود که آن را «انار فرهاد» می‌نامیدند. در افسانه‌ای آمده است که فرهاد از شنیدن خبر مرگ شیرین تیشه بر سرش زد. دسته تیشه که از چوب انار بود، در زمین افتاد و در خون فرور یخته فرهاد بر خاک روید. میوه این درخت را که می‌شکافتند، اندرونش سوخته و خاکستر بود. یکی از مهم‌ترین اسطوره‌های مربوط به انار در فرهنگ هورامان و کردستان، اسطوره بابایادگار از پیران اهل حق است که در متون کردهای پارسان دیده می‌شود. بر پایه این اسطوره که ترکیبی از شیوه تولد حضرت عیسی(ع) و سلامت حضرت ابراهیم (ع) پس از عبور از آتش است، بابا یادگار از مادری به نام دادا اسارو در نتیجه خوردن دانه‌ای انار که در مراسم جم توسط سلطان اسحاق متبرک شده بود، به دنیا آمد و پاکدامنی مادر او پس از انداختن فرزندش به دستور سلطان در تورداغ و سالم بیرون آمدنش اثبات شد. این اسطوره کهن در فرهنگ باستانی ایران هم شکل دیگری آمده است. برپایه برخی روایات کهن روبین تن شدن اسفندپار هم به سبب خوردن انار مقدسی بود که ز دشت به او داده بود. همچنین نقش انار در یک

پیش به این باور برسیم که گبر کردن انسان در زنجیر مانع از پرواز او نخواهد شد، پس تلاش خود را بیشتر کردیم و به طبیعت و اشیا ز دیدک‌تر شدیم. چرخ‌رنگی تجربه این درک است. تجربه آشنایی با محیط پیرامون و تصور آنچه پشت دیوارهای آسایشگاه در جریان بود. نمایشگاهی ۱۰۰ اثر از ۱۶ انسان متفاوت ساکن در آسایشگاه. گفتنی است افتتاحیه این نمایشگاه در تاریخ سیزدهم آبان ماه با حضور هنرمندان خود برگزار خواهد شد.